

چریک‌های فدائوی خلق

نسخه سازمان

خبرنامه

۲

در مقاله

مقالات

در روز دوشنبه ۲۳/۷/۵۸ در این سوی کشور ما دست امپریالیسم از آستین عبا در آمده و مردم سخت‌کوش و زحمتکش انزلی را به "بهبان" جلوگیری از صید بی رویه به خون کشانید. این بابائونک‌های عمامه به سرحتی با همان حملات رژیم گذشته "جلوگیری از صید بی رویه صیادان بی دفاع ما را بخون کشیده اند. آنها از صید صیادان بی رویه مردمی جلوگیری می‌کنند تا با رویه نامردمی به صید بپردازند و تمامی آنها را به بازارهای اروپا و آمریکا و حتی های درجه یک داخلی که مملی برای اقامت اربابان امپریالیست و فارتگران داخلی آنها است / عرضه دارند. این تازه بدوران رسیده‌ها می‌شمرانه حتی در شراب‌کنونی که خلین ما از کمبود مواد غذایی از جمله گوشت رقی می‌برد / به شیوه گذشته منابع طبیعی ما را به بیگانگان تسلیم میکنند و اعتراض مردمی توده‌ها را با گلوله سرب آرمیکائی پاس میدهند. آنها بدین خاطر این مواد غذایی را از مردم ما دریغ می‌دارند تا با فروش آن در بازار های خارجی درآمدی کسب کنند و در آمد حاصله را بعنوان وام در اختیار سرمایه داران فراری بگذارند / خسارت بانکهای خصوصی را با عنوان فریب کارانه ملی شدن بانکها بپردازند و ... تا شاید اقتصاد ملیت که رژیم قبلی گرد سر آنها با جارو جنجال فراوان لازمه ورود به دوران تمدن بزرگ جلوه داده بود / تحت عنوان فراهم آوردن شرایطی که "لیبره" "عدن اسلامی" و "ورود به ... حکومت جمهوری اسلامی" را بشارت دهد / براه اندازند. ولی مترجمین بدانند که مردم قهرمان ما "خصوصاً" در این یکسال مبارزه خشونت بار خود علیه امپریالیسم و جیره خواران داخلی امر آموخته اند که دیگر بجز دوران داخلی امکان تکرار ندهند. اگر چه هنوز بخشی نمایی از مردم ما ما اهمیت شما را نمی‌شناسند. اگر چه امروز حاله مقدس ما، شما ما نمی‌است برای توده ما در درک ۱۰۰٪ موریت نمایان ولی هر جا مردم "پره" عربان شما را می‌بینند. بیایم خیزند و زرادخانه امپریالیستی را که امروز بدست شما تله‌پیر گشته خلق سلاح میکنند و آنها بر فرزند شما نوکران داخلی و پیشروان قدرت بدستشان می‌گویند. ... نانکه در کشید / کردستان / خوزستان و امروز در انزلی کوبیده‌اند. با قیام قهرمانان مردم ارتش این ارگان زور امپریالیسم از عم انجما سابقتر از دست زاد از جمله بی آمدن این قیام فلاحی شدن گارد شیلات بود و توده‌ها از جمله صیادان از این شرح وضع در ارگانهای سرکوب سود جسته و به بهره برداری از منابع طبیعی کشور وینف خود مردم پرداختند. پیر از تلاش گارد شیلات که در لی دوران خود شماره در بند صید صیادان بود صیادان توانستند با خیالی آسوده و بی تدریسی پیگیر و وسائل ابتدائی به دست اوج خروشان و غنیمت‌ناک دریا بزنند تا مانی مورد احتیاج مردم را تا" مین کنند ولی بتدریج که سپاه پاسداران بجای گارد شیلات سازمان می‌یافت اینجا و آنجا سلحمانه از فعالیت اقتصادی این زحمتکشان و معرومان جلوگیری گرفت. مترجمین برای گروهانکهداشتن قلمی دست مردم از دریا دست بحمله و فریب‌کاری زده اند و از صیادان مهلت خواستند تا روز ۲۵/۷/۵۸ و تا همین تکلیف قلمی از مردم دولت و امام / موقتا" از صید خودداری کنند. صیادان صبور و فداکار ما بی پایان فریب رژیم نبرده اند و در انتظار مهلت و تدبیر تظلم نشستند غافل از اینکه آنزمان که باید روشن شدن مسئله دست خودسازنده بودند / این مدعیان حکومت مردمی بر این یک برنامه ویا عجله و شتاب به تعداد پاسداران مزدوری افزودند و در حقیقت در مقابل نیروی لایزال مردم را سازماندهی میکردند و میدادند که بخیا خودشان قدرت مقابله با مردم را یافتند حتی نگذاشتند که موعد توافق شده پایان یابد ویا یک حرکت تحریر آمیز در روز دوشنبه ۲۳/۷/۵۸ روز زودتر از پایان موعد مقرر اقدام به صید نمودند. این گونه فکرا نیروی لایزال خلق را بخیا خود

باید در جریان مبارزه توده‌ها
در هر شکل و سطحی که
باید قرار داشت

"در تکمیر آن بکشید"

ناچیز شمرند . ولی صفوت مشکک مرد چنان درسی به آنها داده که مراسیمه تلاش مذبحخانه ای را برای لوسکردن مبارزات مردم نزد توده های سایر مناطق آغاز نمودند . آنها به شیوه معمول فریاد برآوردند که "فدائیان و فدائیان انقلاب به تحریک و تولاغ پرداختند" این اولین بار نیست که دشمن برای مشرب کردن اذهان توده ها و برای سلب اعتماد توده ها از پیشانیان مدین دست به این تولاغ می زند . آنها سرگوب مردم ترکین را هم با این جنرات و نمایشات مسخره بخیاں خودشان سرورسنگ داشتند . هر جا که توده ها علیه ستم امپریالیستی بیا می خیزند / دشمن فریاد بر می آورد "فدائیان بیرون" و فدائیان تولاغ می کنند . مای برسیم اگر مقبول شما دفاع از مبارزات برجس توده ها است . ما افتخار میکنیم که در جهت مظلوم مبارزات برحق توده ها باشیم / زنی افتخار اگر بتوانیم در پیشانی توده ها و جبرها با آنها چنان خود را در راه آرمان عالی شان هدا کنیم / این افتخار ماست و نام ما هم از همین علم ما گرفته شده است . رفقای ما در گذشته نشان داده اند که واقعا "فدائی خلیج بوده اند و امروز هم در عا جلیان حمله نمود بعد توانائی خود در سازماندهی آن خواصم کوشید . ولی مردم بدانند که بعد انقلاب کما می مستند که تا دیروز در زندانهای رژیم برای نجات زندگی حقیر خود با مجیز کشی ساواکیها و برای خدمت به رژیم در دیون زندان به خیر جانی برای پلیس و طبقه زندانیان مبارز مشغول بود و امروز در لیاس صماون نخست وزیر و به نمایندگی او به کردستان اعزام می شوند ضد انقلاب کما می هستند که برای نجات زندگی حقیر در مراسم سیاسی "اطلیح حضرت!" در ۴ آبان ماه شرکت کرده اند و اکنون نماینده برجسته مجلس خبکان / مشاور نزدیک خمینی و اعضای شورای انقلاب و ... هستند و ادعای خیره و ... توده ها را بدین می کشند همانطوریکه فدائیان همچنان در صفوت خلیج با تولاغ مانده اند زیرا کلام حاکم انبیا هم ... هم در جهت ماعتیت گذشته خود دارند به امپریالیسم خدمت میکنند هیچ چیز عو نشده جز رفتن لیاس و رفتن چهره . فیلم تلویزیونی آبانماه ۶۶ را نشان دهید تا مردم بهتر این مدعیان درونی گورا بشناسند . نوکران ایله و کوه فکر امپریالیسم و تنی صفوت مشکک مرد را دیدند / وقتی که دیدند که این صفوت دافعا: "از لرت میوادن و مردمان خداه" شده فرود ترو و زمین تر می شود تا کجاں از در دگر وارن شدن ویا لحن پیروز خوانمانه پرد چس دادند و تمام کماغان را بگردن مسئولین امور و سؤ مدیریت آنها گذاشتند . این "پسند" تودیه رابه این خاطر انتخاب نموده: تا در لیاس مردی در آیدند و از دیون صفوت آنها را مقرون سازند و پیر آنگاه حربه نجاتی را وارد کنند . آنها با بیرون بردن پاسداران غیر بیوس و دخالت ارتس و اذیون می سازند که این پاسداران بی تجربه و احمقان "نا آگاه بوده اند که این غائله را بیبار آورده اند این بهیچ وجه برنامه دولت نبوده است . این حرفها را در ذرا برای می زند که توده ها ک رهیم را مورد هجوم قرار داده اند .

آنها بدین وسیله می خوانند اذهان توده ها را از سمت اصل آن یعنی حمله به ک رژیم منحرف سازند و تمام کماغان را بگردن مسئولین و افراد بلندارند کاری که رژیم صفوت پهلوی هنگام قیام مردم تبریز به آن مشقت گشت . رژیم برای فروب کز کردن خشم و نفرت مردم و جلوگیری از تشکک در جریان این مبارزه / موقعا "عید را آزاد اعلام کرد / منتها به این شرط که ماهیان حرام گوشت عید نشود . مقصود آنها از ماهیان حرام گوشت ماهیان مای خاویار است که باید کماکان بسا مهفت فریب کاری "حرام" از دست مردم ما خارج شود و برای هتلهای کشور های اروپائی صادر گردد .

صیادان آگاه میدانند که گرچه این عقب نشینی به بهای خون دهها نفر از عزیزان شان بدست آمده است ولی این حالت موقتی است . آنها میگویند همانطوریکه بعد از قیام ۲۱ بهمن و تلاش شدن زاندارم و نگارند شیلات و نبودن سپاه پاسداران ما می توانستیم به عید بیرون ازیم همانطوریکه بلا فاصله پس از سازماندهی سپاه پاسدارسینه های ما دوباره آماج گولهای این ریشوهای مزدور قرار گرفت . این بار هم پس از مدتی و صحو آثار جنایت شان و پاسازماندهی و امکانات بیشتری بما حمله خواهند کرد . پلی درست حدس زده اید واقعا "زندگانی چه خوب به شما درس زندگی آموخت پس برای اینکه از دستاوردهای خونهای عزیزان پاسداری کنید برای اینکه تمام امکانات و وسای صیدتان که با هزار گرفتاری ویا و ... بدست آورده اید / یک شبه بوسله پاسداران جمی نگرد / برای اینکه تمام همتی خود را یکشبه از دست ندهید / باید هشیار باشید صفوت خود را متشککتر سازید / سلاحهای را که در این مبارزات بدست آورده اید دوباره تحویل این نامرمان ند عید تا با همین سلاحها سینه های ستبر شما را همد گیرند . همانطوریکه در عهد دیدید حکومت جمهوری اسلامی یعنی کشتار مرد می گاه یعنی اختنار در دانشگاهها / یعنی مبارزین صادن مبارزتی . حماسه آفرین را فاسد خواندن یعنی خلقهای کرد / ترکین / عرب را عاملین بیگانه نامیدن / دانرا جوانان مبارز همانهایی که ۱۳ آبان را با خون خود آفریدند و غرب زده خواندن / یعنی زور گوئی عمامه بوسرها و توبه - کرده ها / عمامه بوسرهای که امپریالیسم ماشین های آخرین سیستم / ساختمای مملک را در اختیار شان قرار میدهد تا احساسات پاک مردم را بیازی گرفته و مبارزات برحق مردم را بخون بکشند .

پیش پیروی سازمادی

همسایع خود را

دست امپریالیسم و جرمه حواریان داخلی
 آنها از منابع طبیبی گسوردها کورتا بیار

به یاد ۱۳ آبان خونین

رقفای دانش آموز :

تذکره روز دیگر نخستین سالگرد ۱۳ آبان است . رژیم وابسته قلی که شدت از رشد آگاهی دانش آموزان عراسان بود با انواع حواص از هرورد دانش آموزان بدانشگاه جلوگیری میکرد . زیرا دانشگاه از جمله اما کنی بود که فرزندان خلی می توانستند در آنجا با مساف اجتماعی و مشکل روزمره توده خادر مداحی بالاتر آشنا شوند و از آنجا مسئولیتی را که در قبال توده ها بعهده دارند درک کنند و به ما دانشجویان که با باختمن ستمی خویش در راه مردم دانشگاه را برامنی برانزده عنوان "سنگس آزاد" نمودند . رژیم ضد خلقی گذشته میکوشید بهر لریقی که شده از برقراری پیوند بین جنبین دانشجویان و دانش آموزان معاندت بعمل آورد اما آشکار است که با همه محدودیتها این پیوند هرگز قطع نشد و ما مظالم با شکوه آنرا در مواقعی چون اعتراض توده ها در مقابل تصمیمات شرکت واحد اثر بوسران در سال ۴۸ دیدیم تا آنکه بالاخره در ۱۳ آبان ۵۷ خون پاک دانش آموزان این پیوند با دانشجویان مبارز و با تمام خلی را جاودانه کرد . تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی خلی ما هر روز شاهد قهرمانی تا و جانانیهای فراوان توده ها و فرزندان این سرزمین برای دفاعی از بند ستم و استعمار امپریالیستی بوده است . کمتر روزی در تاریخ ایران پیدا میشود که رژیم دیکتاتور امپریالیسم به کشتار خلی نبرد داشته باشد . اما بعضی از این روزها نقطه عطفی در تاریخ ما می گردند همچون ۱۳ آبان ۱۶ آذر ۱۳۵۷ خرداد ۱۶ بهمن ۱۶ شهریور ۱۳ آبان ۲۱ بهمن .

سمیزده آبان روز پیوند خلی با دانش آموزان است . در این روز گلوله های آمریکائی سینه های خلی را خیره بادانیی آوزان قهرمان سوزان سوزان کرد تا فریاد آنان را نغف سازند . اما زنی خیابان باک نیز این بار خلی بیا خاسته بود تا تمام مظالم ستم و سوزید امپریالیسم و نوکراسرا در هم نورد و دیدیم که بهر شکوه در ۱۴ آبان خلی این تیساجیب ارتجاع را امپریالیسم را با قهر انقلابی خویش پاس داد و در تهران و شهرستانها مراکز متعدد تجاری مالی و صنعتی و نظامی امپریالیسم را به آتش کشید . رژیم سفور برای حفظ منافع اربابین تنها یک راه می شناخت و آن هم سرکوب و جنینان خلی . اما سر انجام خلی قهرمان ما وی را ناگام گذارد . بعد از حادثه جنایت بار رژیم در سینما رگ آبان که به بدست رژیم خونخوار پهلوی صورت گرفته بود دولت شد . خلق آوزگار در برابر خشم و خورس بیکران خلی مجبور به استعفا شدند . و شریف ادای نوکر کهنه کار امپریالیسم تصد عنوان دولت آشتی طوسی " به روی کار آمد و با وعده های شیرین و لذایی امر و همزمان بنارنگ با بدلال طی وعده های را به خلسه و شادی فرور برد .

اما با این وعده ها خلی را ذرفت تر زد تحت تاثیر تبلیغات سو اینگونه رهبران / خلی به ارتضد خلقی گذر داد اما جریاخر با گولته گرفت جنایات هولناک رژیم خیلی زود ماضیت این گونه تبلیغات و وعده های رهبران را نشان داد . امپریالیسم وقتی دید که با این گونه وعده ها نمیتواند خلی را بفریبید در ۱۷ شهریور حمام خونی را پدید آورد و خط پایانی بر اینگونه فریبها کشید .

بعد از حکومت نظامی اینبار دانشگاه تهران مرکز تجمع مردم گردید و خلی با شعارها و چون "ارتض خلقی بیا میکنیم همین خود را رها میکنیم" رهبران ما را مسلح کنید "عزم وارنده" خویش را برای بوجود آوردن ایران آزاد و مستقل نشان داد و دست صلی بر نشان رهبران سازشکار زد . اما چرا دانشگاه توده ها را بسوی خود جلب کرد ؟ زیرا دانشگاه با پیروانین بهترین فرزندان خلی در عهد خود که طی یک رشته مبارزات بر علیه رژیم مزدور / در گذشته کردن

بهست آمریکا لیزر کوشیده بودند / خود را بعنوان گامواره آزاد یخواهی و مبارزه با ظلم و ستم شناساندن بود مگر در ۱۶ آذر ۱۳۳۳ بود که دانشجویان قهرمان در تظاهرات ضد امیریکائی سه شهید به پیشگاه خلق تقدیم داشتند ؟ مگر در سالهایی که رهبران "آزاد یخواه ملی" به کارهای خویش مشغول و منتظر عنايات شاهانه واصلای آزادی از جانب امامحضرت بودند این دانشجویان نبودند که مبارزات ضد امپریالیستی را تداوم بخشیدند ؟ مگر در جنبش سالهای ۴۶-۴۷ کردستان این اسامعید شریف زاده دانشجوی قهرمان کسود نبود که بار دیگر وفاداری دانشجویان با ن را به خلق ثابت کرد . مگر با آغاز مبارزه مسلحانه و محاسه پر شکوه سیانگ در ۱۹ بهمن ۴۹ دانشجویان همچون مجید احمد زاده / سپهریسا و نبودند که با پیوستن به سازمانهای پیشانگه راه خلق را برگزیدند ؟ مگر با اوجگیری جنبش نون خلق شاهد تظاهرات و اقتصادیات سراسری دانشجویان در سالهای ۴۹-۵۰ نبودیم که با آنها شهید همراه بود ؟ در جریان مبارزات دو سال اخیر که رژیم هر روز فرزندان خلی را به خاک و خون می کشید این دانشجویان بودند که با نثار خون خود پیوند خویش را با خلق مستحکم تر می نمودند همان روزهایی که رهبران مدعیین بدنیای هر کشتار رژیم فرمان عزا میدادند و اظهار امیدواری میکردند که انشا اله این آخرین عزای ملت است و به خلق نمی گفتند که باید جواب خون را با خون داد .

آری امپریالیسم شدت از این اقبال توده ها به دانشگاه بیض گشته بود پس تصمیم گرفت تا با توسل به سلاح عسکری خویش سرکوب و کشتار مبارزات خلی را برهم خود خاموش کند . همه کسانی که آنروز دانشگاه تهران را بیداد دارند میدانند که چه حساسه پر شکوهی از قهرمانی و جانبازی خلی کبیر ما آفریده شد که تشریح آن با عیبی بیان و نگارش آن با هیچ قلی مقدر نیست جمعیت با دست خالی در پرخورد یا دشمن تا ندان صلح موج وار عقبی نشست تا موج بعدی پیشروی را با قدرت بیشتری آغاز کند و سرانجام دفتر مبارزات در روزانه خلیس در آنروز مبارزات دانش آموزان دلیر را با قلعه خون س آبان در دل خویش ثبت کرد .

بعد از تحویل گشته ضابط تمامی اقتدار و طبقات مردم و در رأس آنان دانشجویان و دانش آموزان / این گردانندگان آینده سلطت میخواهستند تا سال تحصیلی جدید را با شکوه عر چه بیشتر و با تکیه بر تداوم مبارزه آغاز کنند اما رژیم که پیشتر قهاری خلی کرد است این اجازه را نداد . دانش آموزان در تمام سختیهای مبارزه دست رفقای دانشجوی خود را افشردند تا با حمایت از آنان دست یابی به پیروزی دیگر این بهترین فرزندان خلی قربانی توطئه های امپریالیسم نشوند اما امروز همین فرزندان "علی احسن" تا عیبی در عایدت خلخال جلاذ اقدام میکردند .

رقفای دانش آموز :

شما خون دادید تا در آینده مملعین چون صد بهرنگی را در کنار خویش داشته باشید . اما امروز مملعین چون هرگز گنجی بیانی را در ذهن / ساعت خاکه و تیرباران میکنند . اینست که امروز بار مسئولیتی عظیم بر دوش شما منگین میکند . باید در جستجوی آن باشید که بفهمید چه وقایعی در صحنمان میگردد . چرا فانوسهای آمریکایی خلقها را سرکوب میکنند ؟ چرا روزنامه های آزاد یخواه اجازه انتشار نمی یابند ؟ چرا باز هم با امپریالیستها قرارداد های جدید بسته میشود ؟ چرا افراد را بجرم چاپ و پخش اعلامیه دستگیر میکنند ؟ چرا عر روز حقی از حقوق خلی پایا میگردند ؟ چرا بعد آزاد سیاسی در کلاسها را ممنوع اعلام میکنند ؟ چرا البته باید در برابر اینگونه اقدامات با همیاری عمل کرد . باید عمواره و با وسواس در درک حقایق کوشید و ویرای گام برداشتن در راهی که به آزادی خلی بیانجامد به رهنمودهای انقلابی توجه کرده آنها را دقیقاً بکار بست .

چه بسا از توده های مردم که از جنایات ارتش در کردستان بی اطلاعند . رسانه های گروهی سر سر برده نیز با تبلیغات کور و کسر کننده واقعیات را متکوسر جلوه میدهند . بهین دلیل آن بخش از هم میهنان که نوک تیز سر نیزه های ارتش مزدور را هنوز بر سینه های خفوش حس نکردند تحت تاثیرات "شیرات سو" این درو پر از بیهوشی بشیرمانه / ماهیت واقعی این ماشین سرکوب بر درستی نشانخته اند . اعلامیه زیر که از طرف "سازمان انقلابی رزمندگان کردستان ایران" منتشر شده قدس است در راه افشای این نهاد ضد مردمی .



ارتش سرکوبگر است برادر ما نیست

هم میهنان مبارز :

خلفهای ما در ایران از آن جمله خلق مبارز کرد در جریان مبارزات خونین و حق طلبانه خود این درس تاریخی را یاد گرفته اند که "ارتش سرکوبگر است" که ارتش با تمام امکانات خود علیه خلقهای مبارز جنگ / با فانتومها / هلیکوپترها / تانکها و تانکهای جای حرمانت مرزها و حشیانه به خلقهای مبارز ایران حمله میکند و ظیبهائی را که بخاطر این مرز و بوم می طلبد نشان میدهد و سنگسوز خیابانها را با خون شهیدانمان رنگین میسازند . حوادث میدان واله تهران کشتار خونین سیدالنج / ترکمن صحرا / ننده / خرمشهر / میروان / پاره سقر / و صهاباد همگی بانگ بر میدارند که "ارتش سرکوبگر است" .

ارتش تشکیلات سازمان یافته نظامی است که منافع امپریالیسم آمریکا و نوکران داخلی را تامین میکند / این ارتش یک شبه پیروز نخواهد بود و مستحکم نیافته است بلکه طی سالهای زیادی و در امان و نهالهای آمریکایی و استفاده از تکنولوژی غرب خنجرها "آمریکا" قوام یافته است . دست اندر کاران ارتش دوره های تخصص خود را در آمریکا گذرانده و ذهن آنان و شعور آنان را مغز تفکر آمریکائی بدور از نیاز خلق در مانده ایمان پرورش یافته است . اینها یاد گرفته اند و قسم خورده اند که تا بنده اند غلام حلقه پلوس سرمایه داران آمریکا باشند . اگر ذهن اینان آمریکائی است سلاحی را هم که دست بگیرند از کوچکترین قطعات یدکی تا غول بیکر ترین آنها از زراد خانه آمریکا ویا مهر آن خارج شده است اینان را خصوصیات فون با حقوقهای گزاف بر عیسی ترین زندگی را میگردانند و در بانکها / کازینو ها و مناطق زیر زمینی سرمایه گذاری میکنند . از سوی دیگر کارگران و مخصوصا دهقانان را به سر بازی میکشند تا خون برادران

خود را بخاطر نیات پلید آنها بر زمین ریخته اینست که در ارتش بین رده های پائین و بالا همبستگی وجود داشته و دارد . این ارتش انگلی است بر بیکر اجتماع که همانند زالو بدون اینکه در تولید اجتماعی کوچکترین شرکی داشته باشد مصرف کننده است . همانند خرس اشت که فقط میخورد و حمله میکند همسر جا که منافع امپریالیسم و نوکران داخلیشان مورد تهدید واقع شود . گزین حقیقت حمله میکند و از قتل و هلاک اهل بی دربار . درجا خلعن بیا خیزد و خواستار حقوق انسانی خود شود همچون بی برد . این ارتش تا منفر استخوان آمریکائی با نام نوکران داخلی آمریکا نام گذاری میشود . اگر این نوکر داخلی شاه نظام شاهنشاهی باشد نام آن "ارتش شاهنشاهی" و اگر رژیم جمهوری با اصطلاح اسلامی است ارتش "جمهوری اسلامی" نامیده میشود بدون اینکه ماهیت ضد خلقی آن تغییری یافته باشد .

و اما پاسداران و مجاهد نامها : اکثر اینان گروههای بی شکل سازمان نیافته ای از جوانان متعصب و فریب خورده هستند که با قصد جنگ بیجا کفار "دولت کردستان سرزمین کفار است" و عوامل پالیسیان راهی کردستان شده اند اینان در طول سالهای دراز و بی شیوه ای منظم برای جنگ آماده نشده اند بلکه یک شبه مثل قالی روئیده و تفتیده بدست بیجان ما آمدند . ولی بالاخره بعد از جنایات فجیع و وحشیگری هائی نظیر "حوادث قارنا" تمهیدی از آنها در خواهند یافت که کردستان سرزمین کفار نیست بلکه سرزمین مبارزین مسلمانان است / که کردستان سرزمین پالیسیان نیست بلکه سرزمین مبارزین است که مبارزه دیرینه خود را همچنان ادامه میدهند درست است که اینان در لحظه فعلی نیز دشمنان ما هستند و کشتار میکنند ولی اگر سریع آمدند سریع هم گور خود را کم خواهند کرد زیرا :
۱- در خواهند یافت که آنها را فریب داده اند .
۲- در برابر پیشمرگانی که بیشه به بیشه / کوه به کوه و کرجه به کرجه کردستان را آشنا هستند پیشمرگانی که در جریان سالها مبارزه در کوره جنگ پارتیزانی آبدیده شده اند . قدرت رژی ندارند همچنانکه هر شب شاهد نابودی تمدنی از آنها هستیم . اینان پیشقراولان بروکرت ارتش هستند که ما معتقدیم . پاسداران و مجاهد نامها دشمنان تاکتیکی ما هستند ولی آنچه سازمان یافته است / آنچه که تا دندان به مدرنترین سلاحها مجهز است آنچه که تا به آخر در جهت حفظ سرمایه داران و تدوام غارت امپریالیسم و بالاخره آنچه که ماندگار است ارتش است . نیرویی که ما را واداشت نتوانیم بصورت دراز مدت از شهرها دفاع کنیم و نتیجتا "شیوه جنگ پارتیزانی" چه در شهر و چه در روستا / را انتخاب کنیم / مجاهدین و پاسداران نبودند این تانک و توپ و فانتومهای ارتش بود . مجاهد میروند ولی ارتش سرکوبگر تمام قدرت خود را در برابر ما می نمایاند و ما جبراً با جنگ طولانی بی وی روبرو خواهیم شد به این دلیل که ما معتقدیم ارتش دشمن استراتژیکی ماست . تا زمانیکه ماشین دولتی و از جمله ارتش تلاشش نشود سختی از بیرونی نمیتوان بر زبان آورد . در ایو توپون و ملیبووات سر سیرد همیشه فریب افکار عمومی بانگ بر میدارند که "ارتش ملی است" / "ارتش برادر ماست" مگر ارتش با وحشیانه ترین شیوه به جنگ خلق نمیرود ؟ خلق را با راکت بمباران نمیکند ؟ و مگر قرقی ها و مدنی ها این نوکران شناخته شده آمریکا میتوانند در راه ارتش ملی قرار گیرند ؟ همان شمارهای عوامفریبانه بود که مانع شد در اوج قدرت خلقها و نیروهای مبارز نتوانند یادگانها را مخصوصاً در کردستان خلق سلاح نمایند .

بر خلق پوشیده نیست که در چهار جوب ارتش ضد خلقی در یازان / درجه داران / و افسران انقلابی و میهن پرست وجود داشته و دارد که میتوانند و باید به صفوف انقلابی خلق پیوسته و علیه ارتش رژیم مبارزه نمایند این مسئله را تاریخ و وقایع ۲۲ و ۲۱ بهمن تجربه کرده و صحت آنرا اثبات نموده است .

هم میهنان مبارز :

حاج باید از این اشتباه بزرگ بر حذر ماند ارتش و مجاهدین هر دو سروته یک گراستند و باید با هر دو مبارزه کرد .

اخبار و گزارشات

خلخالی و کود کبر

یک نفر که شاهد محاکمه ۲۴ نفر در سقز بود بازگو میکند که وقتی من رسیدم خخلالی داشت پسرک ۳ ساله ای را محاکمه میکرد. او او پرسید تو که اعمی بوکان هستی در سقز چکار میکنی؟ پسرک جواب داد: «بره که در بوکان بگر فروشی میکنم». بر اثر تیر اندازی مجرمی شد و به بیمارستان انتقال یافت و پاسداران از بیمارستان مرا اینجا آوردند. خخلالی یک روز کلاغ را چهار تکه کرد و روزی یکی از آنها نوشت: «الله اعلم» و آن را به پسرک که سواد نداشت ابتدا نمودار است که حکم چیست ولی وقتی اطلاع یافت با اینکه مجرم بود و با برانکار به پیدادگاه آورده شده بود بلند شد و بصورت خخلالی تفرات داشت که در این موقع پاسداران بوسیلهٔ خندان تغذیه او را شدیداً مسموم نمودند و پسرک ۲۳ نفر دیگر که محاکمه آنها در پیدادگاه همس - اسلامی خخلالی جیسا "یک ساعت لبو کشیده بود اعدا پشتها (نق از شب نامه کیمته لبر شماره ۴)

در روز ۷/۱۱ نماینده شورای اسلامی کارگران ماشین - سازی کاتر پیلاز امواز مخالفت خود و شورانگیزت بکار کردن در روز پنجشنبه اعلام میدارد که تا کپهان مورد حمله نیروی ویژه کارخانه قرار میگردد و از پشت بر سر وی ضربه ای وارد میکنند که تا زمان درج این خبر (۵۸/۷/۲۱) در حالت بیهوشی بسر میرود.

مردا : تولید کارخانه میرا بدتی است که از ۷۰ دستگاه در روز به صفر یا حد اکثر ۳۵ دستگاه رسیده است. مسئولان کارخانه مرتباً به کارگران قول رسیدن مواد اولیه و قانسه را میدهند و میگویند که قیامات در لک خرمشیر

ذواییده است. لازم به توضیح است که در اکثر کارخانه های انحصاری سازی بخت کمبود مواد اولیه و قیامات تولید به حداقل وقتی در مواردی به صفر رسیده است. کارخانجات مهمات سازی با حد اکثر ظرفیت کار میکنند. بر اساس بت خبر رسیده در قسمتی از کارخانجات مهمات سازی سلولیت آباز روزانه ۶۰۰۰۰ جعبه فشنه و مقادیر قابل توجهی مواد ولوازی جنگی ساخته میشود تولید کوبنی سه برابر تولید سالهای قبل است. لازم به یاد آوری است که بیشتر مواد اولیه این

کارخانجات از آمریکا تسلیه میشوند. (۱۲)

دولت آمریکا دیدانید دولت موقت ملی بختنامه - ۲۰۱۹۱۱ به وزارتخانه ها و موسسات مستق دولت ۱۳۵۸/۱/۱۱

به امان نخست وزیر بازرگان خواستار باطلان "پاکسازی سازمانهای دولتی از آنان که" انتقادهای ضد انقلابی " و "خوابکاری" میکنند / شد. توده های میهن ما می بینند که چه گوشه عظیمی بخرج داده میشود تا این سازمانها وضعیت مردمی سابق خود را کاملاً حفظ کنند و تا آنجا که نیازات و ده ها امکانش را فراهم میآورند دست به ترکیب آنان زده نشود لذا معلوم است آنان که "انتقاد - ضد انقلابی" و "خوابکاری" میکنند / کسانی هستند که تنها برای بشهر رسیدن انقلاب خونین مردم خواستار دگرگونی کامل نهاد های سابق هستند. بهر حال بدینوسیله با اطلاع میرسانیم که خانم فاطمه توکلی بسمت سرپرست کمیته "پاکسازی" شهرستان ساری منصوب گشته است.

در مورد حصران : در فروردین ۵۶ یعنی درست در زمانیکه عده های از رعبان

شمار ارتش را در ماست شمار میارزین نیست / شماری است که از دامن رژیم بختان موزانها خرید و از آنجا به کلمات آگاهانه به میان خلق میروند در این میان مزدوران صلی (جاشها) موقتت خاص دارند. ارتش و جاشها در میان خلق را نمی شناسد کوجه خا / غیاب آنها / کونسا و نامت را نمی شناسد و جاشها به صورتی نا آهنگی و بی نظمی زاده است این بیگانه با چشم گوروی لنه به کجا می رود. اثر از انداختن و جاشها ندانسته باشد + اینست که که کورمان کورمان بدنیان جاشها می رود. راستی جاشها کیست؟ وانگیزه اش از جاشگری چیست؟ جاشها خود فروخته بود و ملن فروشی است که شرافت انسانی و ملی خود را فدای کالاهای بازار فرشی می برد و دشمن به از او بزرگتر نیست. آنرا خریداری میدند.

مات کرد همچنانکه با فاشیسم روبرو است تا دشمنان داخل خود (جاشها) نیز دستور پنجه نمیگردد. این دشمنان کسانی هستند که از او بگری خلق می ترسند و بی تنگدوشان خشم خلق تیران قدرت آنان را میبندد. این کدو خاشاکین دیگری نیز وجود دارند که زندگی غازی آنها انگلی و دغا خفته بوده با امکانات مالی میبندد. بی بدون کار کردن و زحمت کشیدن و با شارلاتانی و خوش خدمتی به این وان به عین و نوس بر گرفته اند. اینان برای این که تفضیل شدن به جاشها مصلحتی دارند. تا شاید از این راه بهما اطمینان و خوش خود را هر چه بهتر زمین کنند. به اعتقاد ما وجود این جاشها خیلی خرابتر از آنست که در هر لحظه و هر امکان باید برخورد انقلابی و قاطع علیه آنها داشت. جاشها باید بدانند که رژیم گروان کتلی بر خلاف واهی آنان بر اثر جنشهای توفنده خلقهای ایران بنوعی از صحنه خارج خواهند شد و آنها چه زنده و چه مرده برای همیشه در پیشگاه ملت و تاریخ خرسند انگنده و بسوا خواهند شد.

مردم می بیند ارتش ضد خلق و سپاه تانار زمان (سپاه پاسداران و مجاهدین خلق) سر انگته و سر نکلون پاسد جاشها و مزدوران به افراشته پاسد جاشها خونین مبارزه آشتی ناپذیر خلقی گسرد. مستحکم پاسد پیوند مبارزات خلقهای ایران ۵۸/۷/۲۱

ارتش خلقی پیامی کنیم

میهن خود را رها نمیکنیم

میهن خود را رها نمیکنیم

حقوق کارمندان را به نسبت زیادی بالا برده و مقدار پولی بمنوان ماه تفاوت حقوقی به حساب آنها واریز نمود در صورتی که کلیه کارگران اگر هم اضافه حقوقی داده شد در سطح نازل بود است که بهیچوجه نمیتوانست جوابگوی ...

احتیاجات آنها باشد حسن نیت به سهم به سر کار گذاردن دوباره افرادی مثل دیاست که حقوقشان به چند ده هزار تومان میرسد و در دوران گذشته در ۱۰ سال کارها قرار گرفته بودند روز جمعه ۷/۱ کارگران بعد از راهپیمایی در دانشگاه نفت تجمع نمودند شخصی وابسته به انجمن اسلامی کارکنان صنایع نفت آبادان یک سخنرانی حد و حدیث "بیت دبیهای را ایراد نمود که در ضمن آن به مسائل فوق در مورد اعطای نوبت اشاره کرده و خواهان برکناری حتی صفاکه وی گردید . او ضمن صحبتهای صیقلت (نق به معنی) : " آقای نوبت در دوران ریاستش هیچگاه نتوانستیم نخواست که آن روابط طاغوسی سیستم سرمایه داری وابسته را از بین ببرد او معتقد است که ما باید از نیروی تخصص همه افراد حتی طایفیان هم استفاده نمایم تا چرخ اقتصادي مملکت دوباره بگردد . او با این طرز فکر میخواست تمام دستاوردهای انقلاب ما را که همان از بین بردن تبعیض طبقاتی بین کارمند و کارگر است بنام او بکشاند اگر هدف ما صرفاً احیای امور اقتصادی باشد و این مسئله (تبعیض) توجه نکنیم پر وضع چه فرقی با دوران طاغوت دارد ؟ ما نمیکنیم کدر خلال مدت این ۷۰ ساله ما بیایست تمام کارها انجام می گرفت و مسئله تبعیض پایان می یافت ولسی لاط در این مدت باید چند نمونه از کارهای درست وی (نوبت) را دیده باشیم در اوایل ورود کارگران به دانشگاه یکی از کماهایشان "حسن نیت" نامیده گردید . این شعار بود قبول چند تن از دانشجویان واقع نشد و حتی آنها (دانشجویان) معتقد بودند که حسن نیت به استنباط کرده برخلاف کارگران که معتقد بودند وی (خیانت) کرده است . این تفاوت تصور باعث مهاجراتی گردید . زمانی که سخنران صحبت میکرد یکی از تن دانشجویان سعی نمود که بعنوان پاسخو خود را به ترمیم برساند ولسی پاسداران حاضر در آن جلسه او را از محل بیرون کردند هیچیک از کارگران حرف آن دانشجوی را قبول نداشتند و دین جهت بوی اعتراض نمودند که از جلسه خارج شود .

در آن روز یکی از کارگران اعتراض کننده صیقلت : " با هر کس که روبرو میشویم میگویند شما دیگر چه اعتراضی دارید هم مقداری واپس بردن بهره گرفتهاید و هم بیوسکن و از این حرفها را نمیانند که با این وام مسکن حد اکثر ۲۰۰ هزار تومان چه باید کرد و با این شند رفا و هزاره پانصد تومان پول کرایخانه چه کسی با شش هفت سرعائله میتواند یک خانه را درست کرایه کند ؟ دو صد هزار تومان رقم دهن پرکی است ولی اگر نگاه کنی همین خانه ای را نمیتوان امروز این قیمت خرید ملک خانه کوچک که بدر دیدن زن و مرد بیک بچه میخورد : شمار نظریت گرفت تفاوت بین ۲۰۰ هزار تومانی که بیا میدهند آن ۵۰۰ هزار تومانی که به آن مرد کارمند که یک زن و حد اکثر دو بچه دارد و آن تفاوت حقوقی بین این دو ! " اعتراض به نیت از آن زمان بعد رشد رسید که با زبان برای نظارت بر کارکنان شرکت نفت به خوزستان آمد و کارگران را در اسارتی تحتی آبادان جمع کردند در این نشست بود که کارگران حسن نیت را محسوس کردند .

از جمله اعتراضات کارگران یکی پنجشنبه کاری کارگران روزگاری بود که البته چند ساعت کار در هفته دست نخورده باقی میماند ولی کارگران در شنبه تا پنجشنبه بجای هشت ساعت در روز شش ساعت در روز کار میکردند از ساعت ۷ صبح تا ۲ بعد از ظهر (بجای ۴ بعد از ظهر) و تعطیل درانتخابات نمایندگان که البته اینده مورد در راهپیمایی و اجتماع در دانشگاه نفت آبادان سرپوشیده باقی ماند و از طرف آن سخنران عضو انجمن اسلامی کارکنان صنایع نفت آبادان بارز و نژاد سرورد دوم (تعطیل در انتخابات نمایندگان کارگران از طرف یکی از کارگران روزگاری درین تشریح گردید : موقع انتخابات وقتیکه شخصی خود را ندانده ای نمایندگان میکنند اشخاصی هستند که بصورت جاسوس ماعتیت آن شخص را زبانی کرده و نظریه میزند و آنها را به کارت نمایندگان را بیع آوری میکنند این نظر جاسوسان بر روی کارت کاندیدای او سوزن قرار گرفته چیزهایی میگویند صد میگویند فلان نماینده به رئیس میخورد فلان نماینده کس کمونیست است و نظایر اینها و بدین طریق

است که اکثر نمایندگان که رای کافی آورده اند انتخاب میشوند " (کارگران روزنارگیانی هستند که در تمام مدت نهایت موقع کار میکنند یعنی از ساعت ۷ تا ۴ بعد از ظهر و اکثر آنها جوان هستند کارگران شیفت کار که اکثر اشخاص میان سن و سن هستند مرتباً ۴ روزه به ۴ روز شیفت کار عور کرده و درین شیفت از این مدت (۴ روز) به نسبت شیفت خود یک یا دو ساعته روز استراحت دارند بهیچ غلت است که سبک پنجشنبه کاری برای این کارگران منتهی است) پنجشنبه کاری کارگران روزگاری (اسم از بیمانی و دانشی) قرار بود از او همراه جاری بعورد اجرا د آید ولی مقاومت کارگران کویا مانع این کار گردید و دیدیم که در اولین پنجشنبه هیچیک از کارگران به سر کار نرفتند و آنها را هم که رفتند مزد اضافی (آورتایم) دریافت نمودند . هشتاد و هکته برای بکار انداختن شرکتهای خصوصی و بیمانی با وامهایی که میدهند کوشش فراوانی نموده است شرکتهای بیمانی وابسته به شرکت ملی نفت از طریق " مناقصه " بعد از مدتی بکار افتادند این شرکتهای کار ساختن راه سازی آسفالت سازی - تعمیر لوله های نفتی بین راه ها و نظایر آنرا بر مبد دارند که با بیست و شش بکار میشوند اکثر سرمایه داران این شرکتهای در دوران جنبش بوده ها با ارسال مقدار زیادی از سرمایه خود به اروپا و آمریکا فرار کردند و در حال حاضر شرکتهایشان با کمبود سرمایه مواجه شده و بنا بر این دولت مجبور به وام دادن خواستد بود . بخش وسیعی از کارگران پیروزهای افرادی هستند که با از کار افتادن این شرکتهای بکار شدند در حال حاضر شرکتهای بیمانی وابسته به شرکت نفت ملی ویدال و برینکو که مقدار زیادی از وسایل تولیدی خود را فریخته اند تقریباً از کار افتاده اند . دشمنان با محب شرکت ویدال یکی از آن کسانی است که موجودی بانکس خود را به آمریکا منتقل کرده و خود به آن کشور فرار کرده است شرکت مذکور را بدست پدر خواهر خود (شهرام) واگذار نموده است این شرکت در حال حاضر اکثر کارگران خود را اخراج و بقا را قیاساً توجهی از وسایل خود را شش ماشین سواری و تراکتور بعمرس فروش گذارده و با فروخته است کارکنانی که هنوز در استخدام این شرکت هستند کارگران قنسی و یا حامد ارانی هستند که به وجود آنها احتیاج زیادی است و نگهبانان ۲۴ ساعته شرکت مذکور بعنوان کمک یکس از ماشینهای بیس مکانیکس و راننده اسرا در اختیار جاسوس سازندگی برای حضور جوی در روستاهای آبادان قرار داده است .

انجمن سوازی (صنایع فولاد)

کارکنان این مجتمع صنعتی از روز سه شنبه ۷/۳ تا شون (شنبه) دست از کار کشیده و اعتصاب نموده اند بگفته یی از رفقای کارگر از کارگران این مجتمع . اوایل خواسته های کارگران منتهی بوده است حق مسکن اضافه حقوق و ولسی بعد شکل سیاسی بخود گرفت مثلاً یکی از خواسته ها تصفیه شرابها و اخراج رؤسای گذشته مثل حمینی رئیس روابط صنعتی و اشرفی رئیس امور مالی بگفته رفیق مذکور اشرفی در دوران گذشته یکی از کارگران ساده را بدلیل سرقت چند قلعه نفتی اخراج و کلیه کارکنان را بعنوان مجازات از یک روز محروم مبروم ساخته است .

پیمبر روز نمایندگان کارگران است

حق طلبان کارگران

یابلسر

روز یازدهم ۲۹/۷/۵۸ از ساعت ۹ صبح / حدود ۸۰ نفر کارگزاران/مانا/ در محل سازمان تأمین اجتماعی شهر یابلسر دست به تجمین زدند .

خراسته کارگران عدورد فرجه میبه خدمات درمانی بودند در تاریخ ۲۱/۲/۵۸ غی ناه وزارت بهداشتی و بهزیستی (و نیز نظرد کرسیای) دستور لغو عدوران داده شد نبود . در خورد اده ۸ کارگران خوزستان نیز برای برخورداری از عزایای این دفترچه دست به یه سلسله اعتراضات و اغتمایات زده بودند که منجر به موققتشان درد ارا شدن این دفترچه شد . اکنون وزارت بهداشتی و بهزیستی "دفترچه میبه های اجتماعی" را بجای دفترچه فون در اختیار کارگران میگذارد که این مورد اعتراض کارگران است .

دخالت مسئولان امروز ستوشان منی برترت سالن/ کارگران را خشمین نمود و آنان تهدید به آتزدن ساختمان و تروکان - نیرو تارمند ان نمودند . با تاضای مسئولین از شهسریانی / - ند ما عوبه محب اعزاز پند که اقدامشان به بیرون زاندن کارگران موجبات تشدید ناراحتی کارگران را فراهم آورد . کارگران اظهار میداشتند "مش عیاد ان بندرانزلی تمام یابلسر را به آشوب میکشید از مرت نیترسیم" . مسئولین اداری میبه تأمین اجتماعی یابلسر که قدرت بر آوردن خواسته کارگران راند داشته و از سوی دیگر تحت فشار شدید آنها واقع شده بودند تصور تجلسای تهیه نمودند و از کارگران تاروشنه ۵/۸/۵۸ مهلت خواستند تا سازمان بیعتامین اجتماعی اقدام به عدورد فرجه مورد تاضان نماید . کارگران با اظهار آنکه در صورت تحقق نیافتن وعده/ ساختمان راه آترو خواهند کشید / در آخرین ساعات اداری از ساختمان خوابی شده عوبه سرکار خویر بازگشتند .

ورشیت

روز سه شنبه ۲۴/۷/۵۸ حدود ۷ تا ۱۰ هزار نفر از بیمه های بیکار به همراه کارگران بیکار جلوی اداره آموزش و پرورش رشت جمع شده بودند تا بر علیه بیکاری/تور/ گران تظاهرات ور . راهیعی برای بر اه اندازند . البته از دیله های بیکار سایر شهرستانهای استان کیلان نیز برای شرکت در راهیعی دعوت شده بود . در حالیکه پلاکاردهائی با این عنوانین "کارگران صلح ماست" / "سرمایه داران بیکاری است" / دولت انقلابی وعده پس است / عقب کن" همراه داشتند . مرکز شهر (شهرداری) بر اه افتادند .

تزدیک سه راه حاجی آباد "عدهای رحدرد دوستالی سینه نفر) جلو تظاهر کنندگان سبز شدند . آنان که به چمان و داقو صلح بودند با شعارهای "حزب قطحرب الله" / "فدائی خود های انگ اجتماعی" و اقده انزلی توطئه فدائی" سعی در بهم زدن نظو امیما و ان نمودند ضمن آنکه به عکاسان نیز بیورش برد و دوربینهایشان را از دست آنان خارج کرد و آنها را شگفتند این عده به این حد افکار نکرده به تظاهر کنندگان نیز حمله کردند و سیلا- کاردها و بلندگوی آنها را خورد کرد و تلاش کردند جمعیت را متفرق نمایند در گرویدار حمله آنان عدهای از بیکاران زخمی شدند خصوصاً یکی از آنها با - اقرسخنی مجروح شد فرد مجروح در حالیکه خون از بدنش جاری بود عدها شعار میداد "مرتبر فاشیست / اینست بند جنایتوزیم"

در این حال بیکاران شروع به سازاندن خود و مقابله با "حزب الهی ها" گردید با یک بیورش آنها را عقب راندند - "حزب الهی ها" بیسرعت تغییر مکان داد و خود را بجوی مد تظاهر کنندگان رساند و شروع به پرتاب سنگ

بوقرار بیاد همبستگی همه زحمتکشسان

انقلابی بیرونی طلبنده کارگر

بسی جمعیت کردند در این بین پر از چند دقیقه شور و تباد نظر بیکاران مجدداً "بطرف گروه فشار" حمله کردند این حدها چنان با قاطعیتو برقی آسا صورت گرفت که حزب الهی ها "جا خوردند" و وادار به عقب نشینی (به صورت فرار) گشتند بیکاران به عده ای از آنها رسیده گنگ جانانه فضلی نشانان کردند . بگفته یکی از شاهدان آخوندی - لیسو لورده نمودند . در جریان زد و خورد ها چند نفر از بیکاران نیز زخمی شدند .

در این موقع جمعیت بیکاران برای آنکه قدرت نظایله با حمله کنندگان را داشته باشند خود را به عروسینه ممکن از قبیلله "جوب و پاره آجر صلح نمودند" . بنامه داران شروع به بستن دکاکین خود نمودند . تظاهر کنندگان در حالیکه شعرا میدادند "زنده باد خلین کرد امروز کردستان فردا نوبت ماست" / "انزلی غرق بخون شد" / موت بر دولتارتاجمن" / کارگر انزلی راحت اده دارد" به شهرداری رسیدند . و از آنجا از طریق خیابانهای امیر کبیر/ طالقانی / سردار جنگل و لاکانی بسوی استان ابرفته در آنجا تجمع کردند . در این موقع یکی از کارگران از درختی بالا رفت و با صدای بلند شروع به صحبت نمود: "همانطوریکه میدانید استاندار از کارگران دولت نماینده سرمایه داران هست پر گفتند در میان شخص عینی فایدهای ندارد مسلماً" این درلتنی تواند شگگ ما راحل کند پس ما بپلرت شهرداری میرویم و قتلخانه خود را برای مرد میخوانیم تا آنها نیز بپلرت ما بهتر آشنا شوند"

با گفته این کارگر عینی بپلرت شهرداری بر اه افتادند . در بین راه عدهای از خانواده بیکاران عدهای از محصلین نیز با آنها پیوسته لذا رفیکه به محل شهرداری رسیدند عدها از "حزب الهی ها" با سنگ منتظرشان بودند پرتاب سنگ این "حزب الهی ها" با جواب مقابلید تظاهر کنندگان رو به رو شدند و منجر به فرار گروه فشار" از سه طرف (خیابان سمدی - لوجه شمش اردیبهشت - خیابان شروستی سمت شهرداری و همچنین خیابان خمینی) گشت .

تظاهر کنندگان عدهای از افراد "گروه فشار" را تا درب شهرداری تعقیب نمودند که در این وقت سیاه پاسداران و متصدیان در شهرداری شروع به تیر اندازی عوایی کردند و همچنین به پرتاب گاز اشک آور عیادرت ورزیدند . تظاهر کنندگان اقدام به سوزاندن لاستیک نمودند تا اثر گاز را خنثی کنند . "در یکی از بیکاران بطرف شهرداری میروند و فریاد میزند "شلیک کنید بزنید" و "خواب به جمعیت که میگویند بگنید" عدهای از تظاهر کنندگان او را کنار کشیدند . پسر جوانی در حالیکه فریاد میزد "ای مردم چرا کرد ها را میکشند مگر آنها آدم نیستند؟ مگر جز آزادی خود برای چیزی دیگری میکنند؟ ما هم باید بچنگیم" و ضمن صحبت تشدیداً "شاکر و ناراحت شده بود و اشک میریخت" . سپس تظاهر کنندگان در خیابان امیر کبیر جمع شده و قتلخانه خود را دایر به حق صلح داشتن کار و برسعیت شناختن اتحاد میخورد و سرکار کاردن بیکاران از طریق اتحادیه بیکاران قرائت نمودند . شعارهائی که در این تظاهرات داده میشد از اینقرارند:

- ۱- کارگر حق صلح ماست
- ۲- مرت بر استاندار جای سرمایه دار
- ۳- خدخالی روانی اقدام باید گسود
- ۴- امروز کردستان فردا نوبت ماست
- ۵- مرت بر سرمایه دار عا بیکاری ما
- ۶- ایران/ خدخالی توکران امریکا
- ۷- اتحاد اتحاد کارگران اتحاد
- ۸- اتحاد اتحاد بر علیه سرمایه دار
- ۹- کردستان بیوز است ارتجاع نابود است
- ۱۰- عدورد خلین ایران بر روزندگان کردستان
- ۱۱- کردستان کورستان فاشیست است
- ۱۲- اتحاد بیوز است ارتجاع نابود است
- ۱۳- سانزلی انزلی غرق بخون شد
- ۱۴- کارگر انزلی راحت اده دارد

مردان بر راه بیرونی طلبنده کارگر

سار

خروجیان هنرستان صنعتی ساری به اضافه شدن سه ماده ریاضی / فیزیک / و شیمی به مواد درسی آنها معترض نبودند. حدود بیاض است که در بعضی ناهمگون بصر میگردند. هنر جوانان برای دست یافتن به خواستههای خود از این عفتی عقب نماندند (از ۲۸/۷/۵۸) از حضور در کلاسها خودداری کردند. اعتراضات فزون که در روز پایتخت آنها در سالهای قبلی جزو برنامه نبود هنر جوانان را با مشکلاتی روبرو کرده است. تئوریک از عهده آموزش آنها بر نیاورند آنها معتقدند برای یادگیری این مواد میبایست قبلاً مقدماتی را بیاموزند. این موضوع اعتراضات خروجیان را در سراسر کشور بخصوص در تهران و تبریز برانگیخته است برای ایجاد هماهنگی / قرار شد نمایندگان تمام هنرستانهای مازندران در هنرستان صنعتی ساری جمع شوند ولی نشستی قلمبه ای با مضمون واحد برای همه شهرها تدوین کنند. این برنامه روز پنجشنبه ۵۸/۸/۳ اجرا شد. روز شنبه ۵۸/۸/۵ پس از آنکه رتبه نواخته شد دانش آموزان بسر کلاسها نرفتند و در مقابل مسئول هنرستان که از آنها میخواست بکلاسها بروند / اعلام کردند "جهت نوب به اهدای خود از این لحظه دست به تحسین در حیا در هنرستان میزنیم" اما پس از اندکی گفتگو و مشاجره لفظی که بین نماینده و خروجیان در گرفت قرار بر آن شد که تحسین از روز یکشنبه شروع شود. "ما" سفاهت حرکت بچه ها به دلایل چندی نتوانست از هماهنگی آن بر بخورد و حتی از فراغت حریفان اعتراضات خروجیان ارومیه که قرار بود برای تأکیف بر جمعیت هنر جوانان سراسر کشور خوانده شود جلوگیری بعمل آمد. آنده هنر جوانان را آزرده خاطر می ساختند. پشتیبانی معلمان بود که بدون توجه به مشکل خروجیان / هر روز پس از حضور در مدرسه / کسی پس از شروع ساعت اداری / هنرستان را ترک میکردند و خروجیان را در این حرکت اعتراضی تنها میگذاشتند. از سوی مدیر کل تولهایی صبی بر وفق مشکند خروجیان پتان داده شد.

سار

در روز شنبه ۵/۸ ساعت ده صبح استاد یوم تختی در حالیکه هنوز لخته بر جمعیت افزوده میشد / صرفت تا شامد اولین گرد هم آتی قان التحصیلان بیگار سار و چند شهر دیگر از این استان باشد در یک طرف استاد یوم ملو از آقایان و طرف دیگر جایگاه خانها بود در سیرستان های بالقانی "و" جامع برای جمعیت مد ابر خود را تعدیل کرده بودند و به مناز خود رفته بودند. اما تعدادی از دانش آموزان فریب خوردند "پانزده تیا شانزده ساله در میان دبلیه ها دیده شدند که با تعدادی پاسدار (در لباس شخصی) روبه سرگردگی دونفر معلوم الحال بنام محسن محمدی و احمد خوش اندام و پنج نفر دیگر گروهی را تشکیل داده بودند. جمعیت حدود هزار و پانصد (۱۵۰۰) نفر بود که در ناطق و پنجاه نفر از آنان دختر و بقیه پسر بودند. تعدادی از پسران از گلگاه و شهر و نگاه آمدند و تعدادی از همکلی از شهرهای شاهی و بابک فقلک نمایندگی در میان این جمع دیده میشد. ابتدا یکی از دبلیه ها خوش آمد گفت و بعد از آن هم آتی را تشریح کردند. سیر من پسر از سخنرانی ما خوانده شد که حکایت ناز محمد دولت داشت و تعدادی از آن هم میان قسار التحصیلان بصورت اعلامیه پخش شد. بعد از آن نماینده بابک اقداماتی را که دبلیه ها برای یافتن آگهی در این شهر انجام داده اند بر شمرد. در پایان سخنرانی با کد ورن دبلیه ها روبرو شد. آنگاه شخصی بنام نماینده "نگا" (البته دبلیه های نگا" نمایندگی از آن سوی خود انکار میکردند) با ابرار خود شروع به سخنرانی برای جمعیت کرد. در میان سخنران او اینها مفاصم بگویند میسرید. باید صبر داشته باشید. "تا سرمایه دار نباشد مملکت هم نیست" سخنرانی او با "همی" تماشاچیان و فریاد الله اکبر گروهی که در سخنرانی او نقش "پارازیت جی" را به عهده داشتند روبرو شد.

بنام از آن اقداماتی که در ساری انجام گرفته بود سخن به میان آمد و هنگامیکه نام محسن محمدی بنام بر آمد زنده محسن در جلوی آموزش روبرو شده شد تا برده بنای داد و فریاد را گذاشت دبلیه ها از او خواستند که بیاید و سخن بگوید ولی او نپذیرفت. پس از اندکی مشاجره که بین دو طرف در گرفت آنها با شلیخ بازی و شمارهای الله اکبر بیامی دبلیه ها دیدند و قصد بر هم زدن جمعیت را داشتند و در این ا بود که دبلیه ها تصمیم به راهپیمایی گرفتند تا ماهیت این نوع افراد برای توده مردم مشخص گردد. راهپیمایی در همان روز شنبه باران آغاز شد و در حین آن شعارهای زیر داده شد "دولت سرمایه داری عامل این بیگاری" / "اتحاد اتحاد علیه سرمایه دار" / "گرانی بیگاری تا کی ادامه دارد؟" "پارازیتان پازرگان ما عبرتتان سر آمد." در انتهای خیابان قانر باز سر و کله آن عده / پیدا شد که راه را بر دبلیه ها بستند اما چون تعدادشان کم بود نتوانستند کاری از پس بیاورند. سرانجام جمعیت به "پا ساعت" رسیدند و در آنجا از چهار طرف محاصره شدند. در میان اشخاصی که مانع خروج و یا ادامه راه دبلیه ها میشدند علی حفری کارمند اوزان و محسن محمدی راجعی عطیلات را به عهده داشتند. آنها مرتباً به توبه های خود فرمان میدادند "نگذارید در بروند - مخلصان کبیر". در میان باران قلمبه خوانده شد و از خانها خواست شد که بروند اما آنها می گفتند "ما تا آخر در کنار شما هستیم" بالاخره در اثر ابرار فراوان خانها بوسیله چند نفر از جوانان دبلیه از محل دور شدند. در میان به انتهای خرد رسید و دبلیه ها قصد تفرق شدن را داشتند اما عده ای الله اکبر "گویان تمسکشان نمودند تا اینکه آنها را بچنگ میاورند. عین سلی که در میان شکار میدود. دیده شد که یکی از دبلیه ها گرفتار چهار پنج نفر از آنان گشت که او را گشای بد داخل کویچه ای میبردند تا مورد ضرب و شتم قرار دهند اما او در یک لحظه شانسش توانست از دست آنان بگریزد. پاره آفران در یک آنه ضعیف جدیداً متعین آبی رنگه ناظر تمام این صحنه ها بودند اما حرکتی از خودشان نشان نمیدادند. دو تن دیگر از بیگاران نیز گرفتار و بدرون خانه ای متعلق شدند که گفته میشود پس از گنگ ورن رتا - نشان کردند. بالاخره جمعیت تفرق شد تا چند روز دیگر گرد همایی دیگری داشته باشد.

در جمعیت جوانی ملت و اتحاد محسن بیگاری با انچه

تابستروان صمیمی در روز دوشنبه و سه شنبه انقلابی انتخاب میگرد

ساعت ۱۹ روز دوشنبه ۲۳ / ۷ / ۵۸ رادیو تلویزیون کیلان به کسانی که قصد شرکت در راهپیمایی روز بعد را داشتند هشدار داد که مسئولیت وقایعی که ممکن است احیانا اتفاق بیافتد بعهده برگزار کنندگان تظاهرات می باشد رادیو تلویزیون نیز افزود "گروهی اسلحه موجودیت نموده که تهدید به جلوگیری از برگزاری راهپیمایی نموده است."

تعداد ۵۰ نفر از پاسداران رشت با لباسهای عادی تحت مسئولیت شخصی بنام حاجی راسخی بعنوان "گروه فشار همراه حزب الهی ها" به صفوف بیکاران حمله می نمودند .

شامی

در بسیاری از روستاهای ایران روستائیان بهمت قیام شکوعمند در جریان مبارزات اخیر توانسته بودند موقعا دست زمینداران مفتخور را از حقوق حقه خویش کوتاه کنند . در روستای "کارتیچکلا" از توابع "کیاکلا" نیز دهقانان توانستند الااف پاره ای از حقوق غصب شده خویش را احیا کرده بر سر تقسیم محصور لویبا به نسبت مساوی با زمینداران (حسین عزتی) به توافق برسند . اما با گذشت زمان و قدرت یافتن دوباره ارتجاع دهقانان هرروز بیشتر از حقوق خویش محروم میشدند و اقدامات حاکمیت کنونی نشان داد که دوران بر خور داری دهقانان نیز (چون سایر زعمتکشان) از حقوق حقه شان کوتاه و موقوفی بود . زمینداران مدکور که در این مبارزات مردی قدرت مخالفت با همین خواسته کوچک را نیز نداشتند مشاعده حمایتی که از سوی حاکمیت از امثال او بعضی بیامد با توافق فور از در ناسازگاری در آمد و برای احیای کامل وضع گذشته برای خود از "پاسگاه واند ارمری" جهت مقابله با کشاورزان کمک طلبید .

کشاورزان بی خبر از این موضوع در حال برداشت محصول بودند که یک دستگاه "ریوی" ارتشی با چند درجه دار و سرباز وارد زمین شدند . ورود آنان و تلاششان برای بیرون راندن کشاورزان اعتراض آنان را برانگیخت و چون مشاجره در بین دو طرف به نتیجه نرسید برای حل قضیه کشاورزان بوسیله همان "ریوی" عازم واند ارمری شدند . آنان در بین راه چشم خویش را با شمارهایی چون "مرد بر حسین عزتی" - "مرد بر حاجی حسین عزتی" نشان میدادند پس از رسیدن به محل پاسگاه و اجتماع در مقابل آن دهقانان شعار میدادند که این عمل باعث غصبانیت یکی از خویشاوندان حسین عزتی شد و نامبرده را به درگیری با کشاورزان کشاند . البته این شخص در حمله به روستائیان از حمایت چنان بدستار نبود نیز بر سر خود ابر بود .

با انحراف جهت نفر بنمایندگی از کشاورزان وارد پاسگاه شدند تا مسئله را مورد رسیدگی قرار دهند و در آنجا بود که با اظهارات رئیس پاسگاه روبرو شدند .

این گفتار رئیس پاسگاه کشاورزان وقتی اجازه برداشت محصول را خواهند داشت که از مقامات بالا اجازه نامه کسب نمایند ! اما مقامات بالا که همواره بر مقدس بودن مالکیت مفتخواران تاکید کرده و حتی با کمال صراحت حدود دستبردطلبی را که به جان و مال مردم زده شده بود قانونی و شرعی اعلام نموده بودند . پس از چه کسی میبایست مجوز گرفت باری نمایندگان نتیجه گفتگوها را با کشاورزان رسانند که مدای اعتراض آنان را بلند کرد . کشاورزان اظهار

میداشتند "مانند من حدم هم شده محصور را برداشت میکنیم" . آنها افزودند "ما قیلا هم نماینده فرستاده بودیم ولی هر بار آن حسین آن بود و کاسه همین کاسه" و اضافه کردند "ما از همان اول نمی بایست آنها (پاسگاه حسین عزتی) بسا سادست رفتار کنیم حال برایمان درسی شده است تا انقلابی رفتار کنیم"

بهر حال کشاورزان که هنگام کار بر زمین شخص مزبور با مانعی روبرو نشده بودند اکنون موقع برداشت محصول ملزم شدند تا حضور یک هیئت نفره در زمین و تحقیق و گزارش نتیجه آن دست از برداشت محصول بکشند